

دوشنبه دهم ماه مبارک رمضان سنه ۱۲۹۵ هجری
 قیمت بکفعل بکعباسه
 قیمت اعلان سطری ده شا
 ادایه در چهار قط



نهم سپتمبر ماه فرانسه سنه ۱۷۷۱ مسیحی
 هر کس اخبار و اطلاعات علمی بدار الطبا
 هما بوند بفرستد درین روزنامه باسم
 خود او نوشته خواهد شد

چون کلیه دانشمندان اهل ممالک محروسه از هر صنف طبقه
 که بوده باشند بتوجهات خاطر خطیر اعلیحضرت اقدس همایون خسرو
 صاحب قران دام ملکه مفتخر و میناهی میباشد اوقات ورود و کسب
 مسعود از سفر خیرت اثر فرنگستان که هر یک از شعرا و بلغان بتمیذند
 و ثنای ذات ملکوتی صفات مقدس انشادی نمودند و اینانی
 سرودند میرزا بهرام رستم نصرآبادی از طایفه فارسی نیز
 اشعار مسطوره در ذیل را بنظم آورده بعرض غاکفان استان
 اسمان جاه همایون رسانید چون موقع قبول و استحضار یافت
 درین محل ثبت میشود
 نجسته باد که از مهر ذور برتر
 ز باختر بد راورد شاه خاورد کسور
 فراز شد در پوزش از آنکه نابود است
 ز فراداد شهنشاه هر کناه ایدر
 بفرخی بگذشت او چو شاه کبکسور
 بگوری همه دشمنان زد در پا بر
 چو کشت سابه مهرش فکنده بر ابر
 نماند نام ستم در دمانه هیچ دیگر
 بمژدگان این مرده جان نشاید داد
 که در برابر آن این نمی رود بشمر
 اگر سپاس گذارند این فرایش را
 هزار سال نیاید و زان هم افزون تر
 ز نواک نیند رنج دمانه مردم را
 چه غم که داد شهنشاه هستان بخت
 بزرگ خسرو صاحب قران شه شاهان
 سترک ناصر دین شهر یار دین پسرور
 چنان غنوده بدادش کسان تو پندار
 که خفته اند بزهدان مادران اندر
 زهی خد بو خداوند کار روی زمین که هست چه چنان از مهر تو زور

همیشه تا که بود چرخ را بچارفتار
 هماره تا که فروزند خور بود و اختر
 بکام و رای تو کردند اسمان و زمین
 در و دخوان تو باشند کیتیان بکسر

منشی روزنامه دولتی و علی میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفرغی نیز
 این ایپاراد در تمیذت ورود موکب مسعود بنظم آورده است
 اسمان دور ملک کشت و ملک دور زمین
 هیچ دوری نبود خوشتر و نیکوتر ازین
 این نخستین سفر خسرو منصور بنود
 که با قبال بگردید همه روی زمین
 کوزه افکنند چو جم بر کف باد بساط
 که نمایی دو جهان جمله بیپود زمین
 مشرق و مغرب عالم همه از مقدم شاه
 باز امان شد راسته چون خلد برین
 دست دادند بخدمت شاهنشاه باز
 پادشاهان که ظفر بردشان سوره جبر
 با سلاطین دول عهد مودت نو کرد
 شهر یاری که جهان تراست بعهدهش نمکین
 تار و در مرکب شه بر کل و در پیمان همه جا
 کشت در موکب شاهانه یزک فروردین
 چون خط کاهکشان راه موشخ بنجوم
 فرشی ان راه مزین بکهرهای شمسین
 در پند بر آن مقدم فرخنده قدم
 شهرها را همه بستند بچشم آیین
 بزمنها نیز شد راسته مانند سپهر
 در هر مهر صفت حضرت شه صد نشین
 تصدیق کوی سلاطین و ثناخوان وزدا پانسخ شاسخه ناپیروان بخش متیز

بقیه اخبار جغرافیای قلیخانیه سرتیپ برپس مدرسه
مبارکه کمال الفنون

هوای نصف شمالی زمین کلبه رودتس کتر است از نصف دیگر
چنانچه بحر منجمد شمالی منتهای تاده درجه از قطب منتهی میشود و حال
انکه در بحر منجمد جنوبی تا زپاده از بیست و دو درجه منتهی گشته و پنجاه
مواج در نصف جنوبی تا عرض ۵۵ درجه سپر میکند و در نصف
شمالی نظیر آن عرض افاق شمالی فرانسه واقع است که هر مسکون
میناشد و ارضی کنار که جزیره است از جنوب برف ابدی آنرا
پوشانیده و در شمال شمراندن بهمان عرض واقع شد پس ازین بقا
میتوان قدر اختلاف درجه هوای درین دو نصف کره قیاس نمود
و تصور کرد

فصل پانزدهم در جزایر و مد بحار

میزان کف آب بحر محیط هر روز پست بلند میشود و این اختلاف
مخصوصاً در سواحل بحر خلیج محسوس است آب را مدت شش ساعت
تقریباً بتدریج بلند میشود و این اختلاف را صغیر بحر گویند و آنوقت که
بمنتهای درجه ارتفاع برسد مد بحر گویند و بعد در دوره شش ساعت
تدریج پست میشود و این حالت را نزول بحر گویند و آنوقت که بمنتها
درجه پستی رسیده جزو بحر گویند و آنوقت حالت سابق عود میکند اول
بلند میشود و بعد فرود میشود و همیشه بر این حالت است فاصله
مابین دو مد در دست روزه ساعت پست بطور وسط ۱۲ ساعت است
۴۵ و هر مد نسبت بمد روز سابق ۵۰ دقیقه عقب تر میباشد
و این بجهت دقیقه اختلاف مابین طول شبانروز قمری است و طول
شبانروز شمسی آب اقیانوس گاه منتهای درجه مدش مدتی بعد از
عبور قمر باشد بنصف النهار مثلاد در دون کرا تا خیر غایت مداز
وقت عبور قمر بمقدار ۱۱ ساعت است و در هانور ۹ و ۱۵ و در
بریس ۳ و ۴ و در دماغه امید نیک یک ساعت و نیم و جزو مد در
رودخانهائی که بدریا منبسطند تا فاصله زیاد از بحر محسوس میشود
مثلاً در رود و نانت اثر مد خیلی خوب محسوس است ولی زمان تأخیر

از وقت عبور قمر خیلی بیشتر است از آنچه حال ذکر نمودیم

در هر ماه اوقات اجتماع و استقبال که جرم سه کوکب بربک است
واقع شوند آثار مد بحار از سایر اوقات خیلی بیشتر است و ایندورا
مد اجتماع و استقبال کوکب و لی همیشه چند روزی عقب تر است
از وقت حقیقی این نظر

اثر جزو مد در وسط بحر خیلی ضعیف است چنانکه در جزایر بحر جنوب
از پنج کره نمیکند و در دماغه امید نیک از یک ذرع نمیکند و در
اعماق خلیجها خیلی شدید است لی اوضاع مختلفه و ناهمواری و
خیلی دخالت درین باب دارد مثلاً در سن مالو مد بحر تا ۱۴ یا ۱۵
ذرع ارتفاع میرسد و ارتفاع مد عبارت است از نصف تفاضل ما
بین غایت مد و غایت جزو ما بعد از آن

در آبهای قلیل مثل دریاچه ها و بخار رسوده از قبیل بحر اسود و بحر
خرد اثر مد بهیچوجه محسوس نمیشود و در بحر الروم نیز خیلی ضعیف
چونکه جزایر زیادی آنرا با جزایر مختلفه قسمت نموده بطوریکه اتصال
قلبی در تنگه ها با خود اقیانوس باقی نمیکند و آن تنگه ها انقدر
وسعت ندارند که آثار جزو مد محیط در آنجاها رخنه کند

فصل شانزدهم در تقسیم زمان و تعریف زمان حقیقی
و زمان وسطی

در هر اوق شبانروز عبارت است از زمان مفارقت اقیانوس از برابر
نصف النهار بلد تا معاودت آن بهمان دایره و سال شمسی رسمی مرکب
از ۳۶۵ شبانه روز و سالهای کبیسه از ۳۶۶ شبانه روز است
نزد فرنگیان قسمت شود بر دوازده ماه مختلفه الطول و اسامی
آنها ازین قرار است ژانویه فوریه مارس آوریل مه
ژون ژوئیه اوت سپتمبر اکتبر نومبر دسامبر و ازین
جمله ماههای اول و سیم و پنجم و هفتم و هشتم و دهم و دوازدهم
هر کدام سی و یکروز باشند و ماههای چهارم و ششم و یازدهم سی
روز دارند و فوریه در سالها رسمی صاحب بیست و هشت روز است
و در سالهای کبیسه ۲۹ روز و شبانروز را بر بیست و چهار ساعت
قسمت کنند و ساعت ابر شصت دقیقه و دقیقه ابر شصت ثانیه و
از اینقرار ساعت مرکب میشود از ۳۶۰۰ ثانیه و تمام شبانروز از ۱۶۴۰
ثانیه و در مملکت ایتالیا شبانروز را از یک پیشمارند الی ۲۴ و در
فرانسه و اکثر ولایات اروپا شبانروز را بر دوازده ساعت
قسمت کنند ولیکن عموم صیجان نیز از یک پیشمارند تا ۲۴

دوره هفت روزه را هفته گویند و اسامی آیام آنرا هم کس میداند
و متقدّمین هر روز از آیام هفته را وقف کوکبی نموده اند از سبب آن
قدیم از جمله دو شنبه متعلق بود بمه و سه شنبه بمریخ و چهارشنبه
بعطار و پنجشنبه بمشتی و جمعه بزهر و شنبه بزحل و یکشنبه
بافتاب و دوره سی ساله را قرن گویند و صد ساله را مائه

طول شبانروز موافق تعریفی که نمودیم ثابت و برقرار نیست و بعضاً
 آخری در تمام سال آفتاب حرکت ظاهر شبانروز پیش را بد و در بعضی
 در مدت معین طی نمیکند پس شبانروز حقیقی عبارت است
 از همان که اول تعریف نمودیم و زمان حقیقی عبارت است از زمانی
 که از روی آن شبانروز تقدیر شود و ظهر حقیقی همان آنی است که
 آفتاب بدایر نصف النهار گذرد و از روی شاخص و ساعت آفتاب
 مشخص شود و زمان وسطی عبارت است از زمانی که بتوسط آلات
 وقت یاب که ساعت‌های بغل و اوپز باشد بدست می‌آید و در ساختن
 این آلات طول شبانروزها را مساوی گرفته اند و ظهر وسطی آنوقت
 که از روی این نوع آلات بدست می‌آید و آن در وقت ساعات ظهر
 کوکب قتی است که عقربه بر سر دست می‌آید و آن با ظهر حقیقی مطابق
 نیاید جز در بیست و ششم فروردین ماه و ۲۷ خرداد و ۵ شهریور
 و نهم دیماه و در غیر این چهار روز وقت ظهر وسطی یا مؤخر است
 از حقیقی یا مقدم است بر آن و اختلاف مابین آنها ممکن است که تا ربع
 ساعت برسد و در تفاوت فرنگ و در درجات بازا هر روز مقدار
 اختلاف صغیر شده و بتوسط آن جدا اول میتوان آلات وقت یاب
 از روی زمان حقیقی که بتوسط شاخص و ساعت آفتابی بدست
 می‌آید بحسب زمان وسطی کوکب کرد و منظم نمود

فصل مقدمه در تاریخ

زمانی که منقضی میشود تا آفتاب دره کاملی در مدار خودش حول
 زمین طی کند سال شمسی حقیقی گوئیم و آن مرکب است از ۳۶۵
 شبانروز ۵ ساعت ۴۸ دقیقه ۵۰ ثانیه و بجز این ۳۶۵
 شبانروز است در ربعی الا ۱۱ دقیقه تقریباً و سال عامه فرنگیان
 ۳۶۵ شبانروز است و از این قرار بقدر ربع شبانروز اندک کمتر
 اقصراست از سال حقیقی و از این قرار در هر چهار سال زمانی که بحسب
 سال عامه تقدیر شده باشد بقدر یک شبانروز مقدم میشود بر
 زمان حقیقی و در هزار و پانصد و هشت سال بقدر یک سال درست
 مقدم میشود در سال چهل و پنجم قبل از حضرت مسیح ۴ قبصر روم
 مطلع شد بر این اختلاف و در هر چهار سال یک شبانه روز را اضافه
 کرد بر سال چهارم و این گونه سالهای ۳۶۶ شبانروز را یکپسند خوا
 و این تصرف بنام قبصر مشهور گشت و تعدیل قبصر گشتند و لیکن حالا
 که در چهار یک شبانروز ^{سال} اضافه کنیم بقدر ۴ دقیقه زیادتر
 اضافه نمودیم و این اختلافات جزیره در چهار سال بقدر ۴۴ دقیقه

میشود و آن اندک بیشتر است از سه شبانروز پس نظر بر رفع این عیب
 پاپ کرکوار سیزدهم در سال ۱۵۱۲ مسیحی مطابق ۹۱۰ هجری چینی
 قرار داد که در هر چهار ماهه سالهای آخر سه ماهه متتالیه را یکروز کمتر
 محسوب بندارند یعنی یکپسند نکنند و از این قرار سالهای ۱۷ مسیحی
 و ۱۱۰۰ و هزار و نه صد یکپسند و بیست و دو سال ۲۰۰۰ یکپسند خوا
 بود و این تصرف را تعدیل کرکوار می‌گویند

و مگر سال نوزده فرنگیان همیشه عبد فصیح نصاری بود که پاک
 میگویند و بعد در عصر شارل نهم پادشاه فرانسه که در ۹۱۲ هجری
 وفات یافته مبدأ سال و عهد نوروز را از اول ماه ژانویه گرفتند
 مقارن ۶ دیماه جلالی

اما عبد فصیح هر سال مقارن است با روز اولین یکشنبه که بعد از
 بدری باشد که بعد از اعتدال ربیعی واقع میشود و از این قرار این
 عهد متحرک باشد و از روز ۲۲ ماه مارس سپر میکنند تا بیست
 و پنجم آوریل
 تاریخ کرکوار و امروز تمام ملل نصاری پذیرفته اند غیر از یونان
 و دولت روس این دو مملکت هنوز تاریخ قبصر بر معمول میدارند
 و سال ایشان حالا بقدر ۱۲ روز عقبتر است از سال دیگران مثلاً
 روز اول ماه سپتمبر روسیه مطابق است با سیزدهم فرانسه و غیر
 سال نوزده اهل اسلام قمری است و مرکب است از دو اذده ماه هلالی
 و پنجاه و یکماه راسی روز که برند و یکماه ۲۹ روز و مجموع ۳۵۴ ^{میشود} شبانروز
 پس طول این سال آنده روز اقصراست از سال شمسی و در ۶۰ سال
 مقدار اختلاف میرسد به ۶۷۱ روز که قریب نصف سال است یعنی
 اگر حالا مبدأ سال که غره محترم است مطابق باشد با اعتدال خرفی
 بعد از ۶۰ سال دیگر مقارن خواهد بود با اعتدال ربیعی و اختلاف
 این نوع سال با سال شمسی ظاهر است و تاریخ هجری مطابق است
 مبدأش با سال ۲۲ مسیحی و آن وقتی بوده که حضرت پیغمبر ^{صلی الله علیه و آله}
 علیه واله وسلم از مکه معظمه بمدینه طیبه هجرت فرمودند
 و امسال ۱۰۹۵ مطابق است با سال هزار و هشتصد

هفتاد و هشت مسیحی و اینجا نمودن
 علم هبات و نجوم جدید
 با خود سپید